

مجله پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۳

تبیین و بررسی عدالت تربیتی از دیدگاه امام علی (ع)*

دکتر مجتبی پور کریمی هاوشکی

استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه فرهنگیان کرمان

دکتر مراد یاری دهنوی

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

در قاموس ادبیات دینی و جوانمردی، امام علی علیه السلام، نماد راستین عدالت در همه جنبه‌هاست. با نظر به چنین تجسم عینی از عدالت، هدف این پژوهش، تبیین و بررسی چرایی عدالت و چگونگی عدالت‌ورزی از دیدگاه امام علی (ع) و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت می‌باشد، تا زمینه‌ای برای بهره‌مندی اصحاب تربیت، از خوان حکمت و عمل او فراهم گردد. برای رسیدن به چنین هدفی، با روش توصیفی-استنتاجی، مبادی و مفروضات هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی تأثیرگذار بر چرایی عدالت از دیدگاه امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفته‌اند، آنگاه پیامدهای آن در عرصه عمل به عدالت در تربیت، استنتاج شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان عدالت را از دیدگاه ایشان در تعلیم و تربیت به معنای انصاف دانست که -با توجه به نقش هدایتی و ترویجی تعلیم و تربیت- شامل شناخت، حفظ و اعاده حقوق برابر افراد و متریان با توجه به تفاوت‌هایشان می‌باشد. تحقق عدالت مستلزم سه مؤلفه توزیع، تصمیم و تعامل منصفانه می‌باشد. پیامدهای تربیتی چنین نگاهی از عدالت، مستلزم مبانی چون عدالت‌مداری و عدالت‌پروری، اصولی مانند اصل برابری متریان، توجه به تفاوت‌ها، شناخت عدالت و التزام عملی به آن، همراه با روش‌هایی از جمله همکاری، تکلیف به قدر وسع، مشورت و تحمیل به نفس عدالت‌ورزی می‌باشند.

واژه های کلیدی: عدالت، انصاف، تعلیم و تربیت، امام علی (ع)، مبنا، اصل، روش

تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۲

poorkarimim@yahoo.com

myaridehnavi@gmail.com

*تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۸/۱۱

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱- مقدمه

یکی از موضوع های مهم در باب عدالت تربیتی، روش و چگونگی تحقق آن می باشد. روش ها جزء ضروریاتی هستند که هر دست اندر کار تربیتی از سیاست گذاران، متخصصان و برنامه ریزان گرفته تا مدیران، معلمان و دانش آموزان ناگزیر از مواجهه با آنها هستند؛ روش نیز مبتنی بر دیدگاه و جهان بینی است که دست اندر کاران تربیتی به آن معتقداند و آن را به طور آشکار یا ضمنی پذیرفته اند. بدیهی است تا مبانی نظری رویکردهای مختلف به عدالت به درستی تبیین نیابد، اتخاذ روش های کارآمد نیز برای دست اندر کاران تربیتی قابل تحقق نخواهد بود. بنابراین در گام نخست باید مبادی و مفروضات هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی و ارزش شناختی (اعم از الهیاتی و اخلاقی) حاکم بر رویکرد مورد نظر را تبیین و تشریح نموده و آنگاه به استنتاج چگونگی عدالت در تعلیم و تربیت پردازیم.

از انجایی که در حال حاضر تربیت رسمی در جامعه ما مبتنی بر آموزه های دینی بوده و جهان بینی حاکم بر آن اسلامی می باشد، لذا تعریف و همچنین روش های تربیتی در صد آن هستند که مبتنی بر آموزه های اسلامی باشند. در مقاله حاضر، توجه به مبانی عدالت و استنتاج روش های تربیتی از آنها مبتنی بر سیره عملی و جهان بینی و تفکرات امام علی (ع) به عنوان یکی از اندیشمندان و عالمان به مبادی اسلام می باشد. بر اساس دیدگاه ایشان می توان در دو عرصه یعنی اجرای عدالت در میان دانش آموزان و همچنین پرورش فرد عادل، روش های تربیتی استنتاج نمود که بر اساس آنها معلمان می توانند در هر دو عرصه فوق عمل نمایند. از این رو، هدف این پژوهش آن است تا در گام نخست چیستی عدالت و ویژگی های آن را از دیدگاه امام علی علیه السلام، تبیین نماید و در گام بعدی، اصول و روش هایی برای چگونگی عدالت ورزی از نگاه ایشان جهت کاربست در محیط های تعلیم و تربیت، استنتاج نماید.

۱-۱- بیان مسئله

توجه به عدالت مداری و عدالت پروری در تعلیم و تربیت که اشاره به چگونگی انجام آن به عنوان یک روش تربیتی دارد در سیره امام علی (ع) - به عنوان مظهر و اسوه نظری و عملی عدالت - دارای اهمیتی اساسی می باشد. اهمیت این مبحث از این جهت است که اگر ما تربیت را به عنوان مجموعه ای از روش ها و فرایندها در نظر آوریم که هر کودک را قادر به کسب فرهنگ می نماید و باعث رشد و بالندگی او می شود و این روش ها مبتنی بر مبانی فلسفی می باشند (ا. ریباول ترجمه بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۸۶)؛ بنابراین دست یابی به مبانی فلسفی که شامل مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی و انسان شناختی می باشند به منظور استنتاج روش های تربیتی امری ضروری می باشند؛ لذا توجه به دیدگاه امام علی (ع) به عنوان کسی که دارای رویکرد فلسفی مشخصی - که همان رویکرد اسلامی است - می باشد و می توان بر اساس رویکرد ایشان به استنتاج روش های تربیتی پرداخت حائز اهمیت می باشد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

عدالت مداری و عدالت پروری در تعلیم و تربیت در سیره امام علی (ع) مبحثی است که علی رغم اهمیت آن از جهت توجه به سیره ایشان در امر تربیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع به مبحث عدالت به طور کلی از دیدگاه امام علی (ع) توجه شده است و به عدالت از منظر های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از دیدگاه ایشان پرداخته شده است، به عنوان مثال می توان به مواردی نظیر؛ عدالت از منظر امام علی (ع) که توجه به عدالت از منظر سیاسی دارد (درخشه، ۱۳۸۶)؛ کارکردهای عدالت در حوزه سیاست از دیدگاه امام علی علیه السلام (مزینانی، ۱۳۷۹) عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی (ع) (بختیاری، ۱۳۸۰) عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد از دیدگاه امام علی (ع) (حاج حسینی، ۱۳۸۶)، حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (ع) که توجه به عدالت از

منظر اجتماعی دارد (جعفری، ۱۳۹۲) نسبت حق، عدالت و رضایت عمومی در اندیشه امام علی (علیخانی، ۱۳۸۸) اشاره نمود.

ولی به این موضوع از منظر تربیتی توجهی نشده است. در امر تربیت نیز به دلالت های تربیتی امام علی (ع) در موضوعات تربیتی نظیر تربیت اجتماعی، اخلاقی، ارتباطی، سیاسی و نظایر آن پرداخته شده است. مباحثی چون ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع) (سبحانی نژاد و رضایی، ۱۳۹۱)، اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی (ع) (لطیفی و ظریفیان، ۱۳۹۱)، بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه (سبحانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۲)، بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) (رهنما و دیگران، ۱۳۸۷)، مدل های تربیتی در تقویت مشاهده از منظر روایات امام علی (ع) (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۱). در نتیجه به نظر می رسد که به موضوع عدالت تربیتی و روش های آن از دیدگاه ایشان پرداخته نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به خلاء پژوهشی که در پیشینه پژوهش اشاره شد، در این مقاله عدالت در تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، به عنوان اندیشمندی که در باب عدالت، دارای نظراتی بوده و آنها را در غالب خطبه ها، نامه ها و حکمت های ایشان ابراز داشته و سعی نموده تا آن را در عرصه عمل نشان دهد، مورد پژوهش قرار گرفته است. ایشان، مباحث اصلی خود در باب عدالت را با توجه به شرایط و مقتضیات پیش آمده، در ضمن خطبه ها، نامه ها و حکمت های ایشان بیان فرموده اند؛ لذا به منظور تبیین عدالت در دیدگاه ایشان و استخراج دلالت های تربیتی آن، در گام نخست، ضروری است تا مبانی هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی و ارزش شناختی حاکم بر دیدگاه ایشان در باب عدالت تبیین گردد. مبانی ای که امام علیه السلام، خود به طور صریح به آن اشاره ای فرموده است؛ اما به طور ضمنی و به گونه ای مستتر در پس خطبه ها، نامه ها، حکمت ها و سیره عملی ایشان نهفته است و می توان با بررسی و تحلیل آنها، به شناخت و تبیین این مبانی دست یافت. آنگاه بر

اساس این تبیین، به استنتاج چگونگی عدالت‌ورزی از دیدگاه ایشان و دلالت‌های آن در عرصهٔ تعلیم و تربیت پرداخت. بر این اساس، در این مقاله، رویکرد اسلامی به عدالت با تأکید بر گفتار و کردار حضرت علی (ع)، مبنای استنتاج روش‌های عدالت‌ورزی در تعلیم و تربیت قرار خواهد گرفت؛ برای رسیدن به هدف‌های پژوهش و پرسش‌های متناسب با آنها، از روش توصیفی-استنتاجی استفاده شده است. بدین معنا که با مطالعه و بررسی دیدگاه‌های امام علی (ع) در باب عدالت، به استنتاج معنای عدالت و دلالت‌های تربیتی آن پرداخته شده است؛ به علاوه، به منظور استنتاج روش‌های عدالت تربیتی، از کاربردی روش استنتاجی و با بهره‌گیری از الگوی قیاس عملی ویلیام فرانکنا^۱ (بازسازی شده به وسیله باقری، ۱۳۸۹) استفاده شده است.

۲- بحث

۲-۱- چستی عدالت (به طور عام)

در باب چستی عدالت، تعابیر و تعاریف متعددی در دایرةالمعارف‌ها و کتب لغت وجود دارد و دیدگاه‌های گوناگونی در این باره مطرح شده است؛ چنانکه می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت. عدالت به معنای انصاف، معقولیت و توجیه‌پذیری در اعمال و تصمیمات افراد است. عدالت به معنای میانه‌روی در کارها، اعتدال، حفظ وضعیت، دادگری، عمل مطابق قانون می‌باشد (انوری، ۱۳۸۱: ۴۹۷۷).

در دین اسلام نیز، عدالت در معنای میانه‌روی در امور تعریف می‌شود؛ به عنوان مثال، خداوند در سوره الرحمن، آیه ۹ می‌فرماید: «وَأَقِمْوَا لْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ»؛ و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید.

۲-۲- عدالت از دیدگاه امام علی (ع)

امام علی (ع) در مورد ماهیت عدل می‌فرماید: «عدالت، هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ در حالی که بخشش آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است؛ در حالی که بخشش گروه خاصی را شامل است؛ پس عدالت شریف‌تر و برتر

است... «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ. فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا (حکمت ۴۳۷).

در دیدگاه حضرت امیر(ع)، عدالت، از این جهت که هر چیز را در جای خود می‌نهد، یک فضیلت است که هدفش سعادت انسان می‌باشد؛ هم چنین، نکته قابل توجه آن است که در این تعریف، بی‌عدالتی، به معنای خروج از میانه‌روی و قرار دادن شیء در غیر جایگاه واقعی‌اش تعریف می‌شود؛ به عنوان مثال، در دیدگاه امام علی(ع)، بخشش چون منجر به برهم زدن تعادل می‌شود، امری غیر از عدالت و حتی نفی‌کننده عدالت تلقی خواهد شد؛ از این رو عدالت و بخشش مترادف نیستند.

اما در زمینه تبیین عدالت، پرداختن به چیستی و چگونگی عدالت در دیدگاه امام علی(ع) متأثر از مبادی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی ایشان می‌باشد. امیر کلام، امام علی علیه السلام هر چند به تبیین و تشریح این مبادی تصریح ننموده است؛ اما با بررسی و تحلیل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های ایشان می‌توان این مبادی و تأثیرهای آنها را استخراج نمود. تبیین عدالت، برخاسته از جهان‌بینی حضرت امیر(ع) می‌باشد؛ از این رو ضروری است در گام نخست به تبیین مبادی و مفروضات تأثیرگذار بر عدالت و در گام دوم به چیستی و چگونگی عدالت از دیدگاه ایشان با توجه به نتایج حاصل از تبیین اقدام نماییم.

در تبیین، به این پرداخته می‌شود که به طور صریح - آنچه امام علی(ع) مستقیماً در باب عدالت بیان فرموده‌اند - و ضمنی - دلالت‌های قابل برداشتی که ایشان مستقیماً به آنها نپرداخته است؛ اما در کلام ایشان نهفته می‌باشد - عدالت در دیدگاه و مشی عملی امام علی(ع) مبتنی بر چه بنیان‌ها و ساختارهای هستی‌شناسانه‌ای بوده و شیوه عمل به آنها چگونه می‌باشد.

روی باسکار^۳ (۲۰۰۸) معتقد است تبیین یک موضوع، مبتنی بر این مبنای فلسفی است که در پس هر رویداد، مسئله و موضوع در جهان طبیعی و دلایل و باورها و توجیحات افراد

در جهان اجتماعی و انسانی که نتایجی را به همراه دارد، ساختارها و ساز و کارهایی قرار گرفته‌اند و دست‌اندرکار تحقق آن هستند؛ لذا به منظور شناخت آنها باید از رویدادها فراتر رفته و این ساز و کارها را شناسایی نمود تا مشخص شود که آنها چگونه موضوع مورد نظر را ایجاد می‌نمایند (باسکار، ۲۰۰۸: ۱۵۹ - ۱۶۰). با نظر به این معنا از تبیین، این پژوهش به دنبال آن است که در دیدگاه حضرت امیر(ع)، به طور صریح یا ضمنی، عدالت مبتنی بر چه ساختارهایی بوده و آنها چگونه عدالت را تحقق می‌بخشند؛ بنابراین در ادامه، در گام نخست، به تبیین مفروضات هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی ناظر به چیستی عدالت و چگونگی انجام آن از دیدگاه امام علی علیه‌السلام و سپس به استنتاج چیستی و چگونگی عدالت در تعلیم و تربیت خواهیم پرداخت که هدف اصلی این مقاله می‌باشد.

۲-۳- مبانی هستی‌شناختی عدالت

در مبانی هستی‌شناختی عدالت، به این امر پرداخته می‌شود که امام علی(ع) چه جایگاهی برای عدالت در هستی قائل می‌باشند، عدالت را مبتنی بر چه بنیان‌های واقعی می‌دانند و شیوه‌های عمل این بنیان‌ها را چگونه مورد ملاحظه قرار می‌دهند. از منظر هستی‌شناختی، ایشان عدالت را یکی از جلوه‌های حقیقی جهان می‌دانند؛ از این رو است که در خطبه ۲۱۴ می‌فرماید: «مَا الدُّنْيَا غَرَّتْكَ وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَرْتَ، وَ لَقَدْ كَاشَفْتِكَ الْعِظَاتِ، وَ آذَنْتَكَ عَلَى سَوَاءٍ، وَ لَهِيَ بِمَا تَعْدُكَ» «دنيا انسان را به عدالت و انصاف دعوت می‌کند. این بیان، دلالت بر آن دارد که بنیان جهان بر عدالت قرار گرفته و حفظ و اعاده آن مبتنی بر عدالت می‌باشد؛ بنابراین ایشان، عدالت را یک واقعیت اساسی در هستی تلقی می‌کنند.

اکنون، این پرسش مطرح می‌شود که ذات و حقیقت عدالت از دیدگاه ایشان چه می‌باشد. در این زمینه، امام علیه‌السلام در نامه ۷۰ خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: «وَ وَعَوْهُ، وَ عَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أُسْوَةٌ»، «آن‌که عدالت را شناختند و دیدند و فهمیدند و دانستند که مردم در پیشگاه ما در حق با هم مساویند». بر این اساس به

نظر می‌رسد، حقیقتی که حضرت علی (ع) سعی در تحقق آن دارند، مفهوم حق و حقوق اساسی تمامی مردم می‌باشد. حق و مبتنی بودن روابط انسانی بر اساس آن، باعث شده است که ایشان حق را امری ذاتی برای تمام افراد بدانند؛ هرچند آنها مرتکب خطا شده باشند. چنانکه ایشان حقوق فردی را بر خیر عمومی ترجیح می‌دهند؛ از این رو است که امیر کلام، در خطبه ۱۲۶ زمانی که به ایشان ایراد می‌گیرند که چرا شرافت و خدمات افراد را نادیده می‌گیرد و با همه به مساوات و برابری رفتار می‌نماید، ایشان از عدم توجه به حقوق برابر افراد، به معنای ظلم و بی‌عدالتی تعبیر می‌نمایند «اتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُكِّيتُ عَلَيْهِ».

عدالت در منظر علی علیه‌السلام، مبتنی ساختارهایی است که این ساختارها در سطوح مختلفی قرار گرفته‌اند؛ بر این اساس، شناخت ساختارها و شیوه‌های عمل این ساختارها در رابطه با تبیین و تحقق عدالت ضروری می‌باشد. در واقع، در اینجا باید به این امر پرداخته شود که از دیدگاه امام علی (ع)، چه ساختارهایی تحقق عدالت را ایجاد می‌نماید. توجه به این امر، بدان علت است که توجه به حق و برآوردن آن، مبتنی بر بهره‌گیری از ساز و کارها و شیوه‌هایی می‌باشد؛ چنانکه تا این ساز و کارها و شیوه‌ها تحقق نیابد، حق نیز اعاده نمی‌گردد و لذا عدالت رعایت نمی‌گردد.

۲-۴- برابری در برخورداری از حق به مثابه ساختار عدالت

توجه به حقوق افراد منجر به آن شده که ایشان افراد را صرف نظر از مقام و موقعیت بالا یا پایین خود، در داشتن حقوق برابر و اعاده آن یکسان قلمداد نمایند؛ از این رو است که ایشان در نامه ۵۰ خطاب به امیران سپاه می‌فرماید «وَأَنْ تَكُونُوا عِنْدِي فِي الْحَقِّ سَوَاءً». «همه شما نسبت به حق نزد من مساوی هستید». این برابری در سطح اجتماعی، بین فردی و اقتصادی لحاظ می‌شود. در سطح اجتماعی و بین فردی، حق امری متقابل است و ایشان خواهان آن هستند که افراد نسبت به هم خیرخواهی داشته و حقوق هم را رعایت نمایند؛ لذا ارتباط متقابل، به عنوان شیوه‌ای در اعاده حق می‌باشد. ایشان در خطبه ۲۰۷ بعد از

توصیف ویژگی حق به عنوان آنچه در وصف، وسیع‌ترین چیز و در مرحله انصاف تنگ‌ترین چیزهاست، می‌فرمایند «کسی را به دیگری حقی نیست جز اینکه آن دیگری را نیز به او حقی باشد و حق افراد بر گردن هم می‌باشد.»

علاوه بر برابری در سطح اجتماعی و بین فردی، در سطح اقتصادی نیز این ساختار، مورد توجه ایشان می‌باشد. شواهد این مدعا را می‌توان در نامه ۵۳ ایشان ملاحظه نمود. با تأمل در محتوا و مضامین این نامه، می‌توان ساز و کارها و شیوه‌های عمل به منظور تحقق برابری حق و عدالت را از دیدگاه امام علی علیه‌السلام، استنتاج نمود. در ادامه به اهم این شیوه‌ها و ساز و کارها پرداخته می‌شود:

۲-۴-۱- شیوه اول: پاسداری از حق

یکی از شیوه‌های قابل استنتاج در برقراری و تحقق عدالت، پاسداری از حق می‌باشد. این شیوه، اشاره به نظام مدیریتی کارآمد دارد. ایشان در خطبه ۴۰ می‌فرمایند: «برای مردم، حاکمی لازم است که مردم در عرصه حکومت او به راه حقش ادامه دهند» *وَ أَنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ، بَرٌّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ. در واقع در سایه نظام مدیریتی کارآمد است که افراد با توجه به وسع و توانایی‌های خود، دست به مشارکت زده و با توجه به نقششان از امکانات بهره‌مند می‌گردند و کسی به حق و حقوق دیگران تعرض نمی‌نماید. در دیدگاه حضرت امیر(ع)، مدیریت کارآمد، خصوصاً در زمینه اعاده حق، مستلزم شناخت حق و حقوق خویش، اصلاح و رشد بر اساس آن می‌باشد. ایشان در خطبه ۱۰۲ می‌فرمایند: «دانا کسی است که اندازه و قدر خود را بشناسد» *الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ. از این رو، در دیدگاه ایشان عدالت باید معطوف به اصلاح و روندی رشدگونه در پرتو حق و حقوق خویش باشد. ایشان همچنین در خطبه ۲۰۳ می‌فرمایند: «گفتار ما بر پایه عدالت است نه ستم و بر اساس اصلاح است نه فساد.» *اللَّهُمَّ أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ سَمِعَ مَقَالَاتِنَا الْعَادِلَةَ غَيْرَ الْجَائِرَةَ***

۲-۴-۲- شیوه دوم: رعایت سهم افراد

در دیدگاه حضرت امیر(ع)، رعایت سهم افراد با توجه به پذیرش تفاوت‌ها و توزیع امکانات و توانایی‌های متفاوت میان افراد، شکل گرفته است. حضرت در خطبه ۹۰ می‌فرماید «خداوند، روزی مردم را مقدر فرمود و آن را برای برخی فراوان و برای بعضی دیگر اندک قرار داد و ارزاق را بر مبنای تنگی و فراخی قسمت نمود و در این تقسیم بندی عدالت به خرج داد تا هر کسی را بخواهد با فراوانی رزق و کمی آن آزمایش کند». تفاوت‌ها و توجه به امکانات و توانایی‌های متفاوت میان افراد، عدالت توزیعی را به همراه دارد. عدالت توزیعی با توجه به انصاف در حق مالکیت تعریف می‌شود و به عنوان توافقی که در آن پاداش‌ها و تنبیه‌ها با درون‌دادها و ورودی‌های عملکرد مرتبط‌اند، تعریف شده است (مرصوصی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

در عدالت توزیعی باید به تفاوت‌های فردی در تصمیمات اتخاذ شده و تخصیص‌های صورت گرفته توجه نمود؛ از این رو توزیع متفاوت توانایی‌ها و امکانات، بالطبع توزیع متفاوت وظایف، مسئولیت‌ها، پاداش‌ها و تنبیه‌ها را به همراه خواهد داشت. در تصمیمات و تخصیص‌های صورت گرفته باید توجه به خصایص سنی، جنسی، اجتماعی، فرهنگی، زمانی و مکانی را در رابطه با استحقاق افراد لحاظ نمود. لحاظ نمودن این مؤلفه‌ها، باعث می‌شود تا در عمل، قوانین با توجه به این عوامل و به تناسب آن توزیع شوند؛ به عنوان مثال استحقاق تحصیل کرده نسبت به تحصیل نکرده و ... یکسان نیست. در این جا علت توجه به توزیع و تناسب از این جهت لازم است که برابری صرف، منجر به آن می‌شود که افراد مسئولیت‌پذیر نباشند (مرصوصی، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

در این زمینه امام علی علیه السلام در خطبه ۱۴۹ می‌فرماید: «برای هر کس به اندازه توانایی او، وظیفه‌ای تعیین گردیده و نسبت به افراد جاهل و نادان تخفیف داده شده است. آگاه باشید! بخشیدن مال به آنها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است، ممکن است در دنیا ارزش دهنده آن را بالا برد؛ اما در آخرت پست خواهد کرد...».

با توجه به فرمایش حضرت امیر (ع) توجه به حقوق دیگران، نه تنها یک واقعیت انکارناپذیر می‌باشد؛ بلکه تحقق و حفظ آن یک وظیفه و مسئولیت برای زمامداران می‌باشد؛ از این رو در دیدگاه امیر کلام، عدالت ماهیتی وظیفه‌گرا خواهد داشت. به این معنی که تأمین و برقراری عدالت حق طبیعی هر انسانی است و انسان‌ها مستحق عدالت هستند؛ در نتیجه حکومت‌ها و جوامع ملزم به برقراری عدالت در میان مردم می‌باشند.

در زمینه بازخورددهی، عدالت توزیعی بر این اساس مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرد که آیا پاداش‌ها مناسب با هزینه است و آیا پیامدها متفق و موافق با انتظارات هستند (کولکویت^۴، ۲۰۰۶: ۱۱۰-۱۲۷). در این زمینه حضرت امیر (ع) با توجه به مشارکت افراد با آنان برخورد می‌نمود تا این کار باعث کمی انگیزه ایشان نگردد؛ به عنوان مثال، ایشان در خطبه^{۲۲۳} در زمینه ندادن غنایم به کسانی که در جنگ شرکت نموده بودند، می‌فرماید: «قطعاً این مال نه از من است نه از تو؛ بلکه غنیمت ملت اسلام و اندوخته ایشان و نتیجه شمشیر آنان در جبهه‌هاست. اگر با آنها در جهادشان شریک بودی تو را هم نصیبی همچون آنان است و گرنه محصول زحمت آنان برای دهان دیگران نیست». این رویکرد در برقراری عدالت به ما یادآور می‌شود که ما باید به میزان نقش و مشارکت افراد در یک کار، توجه جدی داشته باشیم؛ از این رو پیامد عدالت توزیعی، افزایش کیفیت عدالت‌ورزی در روابط بین افراد و مشارکت‌کنندگان در یک کار و رضایت در میان اعضا می‌شود (براشیر^۵، ۲۰۰۵: ۲۴۱-۲۴۹).

۲-۴-۳- شیوه سوم: دلجویی

در زمینه دلجویی، حضرت امیر (ع) در نامه^{۵۳} می‌فرماید: «با گسترش عدالت در بین مردم و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت. آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت».

در ادبیات عدالت، از دلجویی، تعبیر به «عدالت تعاملی»^۷ نیز می‌شود. عدالت تعاملی اشاره به درک و احساس از برقراری عدالت دارد (امروز، ۲۰۰۷: ۲۱-۳۶). چنانکه این امر

تأثیری عمیق بر درک انصاف به منظور پاسداشت کرامت فردی و انسانی دارد. از این رو، عدالت تعاملی دارای دو سطح است؛ یکی، عدالت میان‌فردی که ناظر به رعایت احترام در روابط قدرت می‌باشد و دیگری، عدالت اطلاع‌بخش^۱ است که ناظر به تبیین‌های صادق و مناسب در مورد تصمیمات از سوی کارگزاران می‌باشد (کولکویت و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۱۰-۱۲۷)

با نظر به عدالت تعاملی، در بعضی از موارد، عدالت اجتماعی در میان اعضای جامعه فراتر از توزیع فواید، درآمد و ثروت میان آنها تعریف می‌شود و اعضای جامعه به منظور اینکه آیا جامعه عناصر ضروری زندگی خوب را فراهم می‌نماید، در صدد آزمون روابط اجتماعی و سازمانی آن برمی‌آیند. در واقع، در اینجا افراد به دنبال کسب احترام و صیانت نفس می‌باشند و جامعه‌ای را عادل می‌نامند که این نیاز، اعتماد و اطمینان آنها را برآورده نماید (گانلز^۲، ۲۰۰۸: ۵۰). در این زمینه حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «مردم‌گرایی و حق‌گرایی، دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد؛ اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند».

در نتیجه، به نظر می‌رسد در هستی‌شناسی دیدگاه امام علی(ع)، عدالت به مثابه حفظ و برقراری حقوق افراد لحاظ می‌گردد و مبتنی بر ساختاری چون برابری و شیوه‌های عملی؛ مانند پاسداری از حق و مدیریت کارآمد، رسیدگی به حق و سهم افراد و رعایت آن و دلجویی از مستمندان و فقرا می‌باشند.

۲-۵- مبنای انسان‌شناختی عدالت

با توجه به آنچه در مبانی هستی‌شناختی عدالت بیان گردید، می‌توان به این نتیجه دست یافت که امام علی(ع) انسان را با حقوق بنیادینش می‌شناسد نه با طبقه، نژاد و امتیازاتش؛ همچنین انسان از دیدگاه ایشان فاعل و عاملی خودآگاه و آزاد می‌باشد؛ فاعل و عاملی که قدرت شناخت، انتخاب و عمل دارد. همچنین از دیدگاه امام علی علیه السلام، انسان‌ها با

وجود داشتن حقوق برابر؛ مانند آزادی، کسب درآمد، ثروت، شرافت و احترام، دارای تفاوت‌هایی از لحاظ برخورداری از امکانات و نعمت‌ها نیز می‌باشند. این امر منجر به آن شده که در زمینه مسئولیت‌دهی و بالطبع آن بازخورد خواهی، پاداش‌دهی و حتی تنبیه، این تفاوت‌ها را لحاظ نمایند. در نهایت آنکه انسان به عنوان موجودی الهی و ملکوتی، باید اعمال خود را برای خداوند خالص گرداند و در قبال انسان‌های دیگر مسئولیت داشته باشد؛ یعنی انسان هم دارای شأن و مقام الهی و هم فردی و هم شأن و مقام اجتماعی است. شأن الهی معطوف به وظیفه انسان در برابر خداوند، شأن فردی معطوف به اعاده حقوق هر فرد و شأن اجتماعی، وظیفه و مسئولیت هر فرد را در برابر افراد دیگر الزامی می‌نماید.

۲-۶- مبانی معرفت‌شناختی عدالت

از منظر معرفتی، فهم عدالت، دست‌یابی و تحقق آن، مستلزم شناخت و دانش می‌باشد. در اینجا منظور، شناخت و دانش نسبت به ساختارها و ساز و کارهای دخیل در تحقق عدالت می‌باشد. ایشان در خطبه ۱۲۵ می‌فرمایند «مهیا برای رفتن به سوی مردمی شوید که در شناخت حق سرگردان و از دیدن آن کورند و به ستم تشویق شده، آن را به عدل بدل نمی‌کنند» همچنین در خطبه ۱۳۱ می‌فرمایند: «عدالت مفهومی است که در تاریکی قرار دارد». ایشان در این زمینه، خطاب به کوفیان می‌فرمایند: «ای مردم رنگارنگ و دل‌های پریشان و پراکنده، که بدن‌هایتان حاضر و عقل‌هایتان از شما غایب و دور است، من شما را به سوی حق می‌کشانم؛ اما چونان گوسفندانی که از غرش شیر فرار کنند، می‌گریزید. هیئات که با شما بتوانم تاریکی را از چهره عدالت بزدایم و کجی‌ها را که در حق راه یافته، راست نمایم» (خطبه ۱۳۱).

با توجه به محتوا و مضمون خطبه‌های فوق، می‌توان به این نتیجه دست یافت که حضرت علی (ع) عدالت را حقیقتی پنهان و به حاشیه رفته می‌دانند؛ در نتیجه ایشان به دنبال آن است که عدالت را آشکار نموده، بر اساس آن به اصلاح امور پردازد. در این زمینه، امام علی (ع)، در حکمت ۳۱، ایمان را دارای چهار پایه می‌داند که یکی از پایه‌های

آن عدل است و عدل نیز، خود مبتنی بر شناخت و تعمق و تفهم است. ایشان می‌فرمایند: «ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد... و عدل نیز بر چهار پایه برقرار است: فکری ژرف اندیش، دانشی عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی. پس کسی که درست اندیشید، به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید، از چشمه زلال شریعت نوشید و کسی که شکیبیا شد در کارش زیاده‌روی نکرده با نیکنمایی در میان مردم زندگی خواهد کرد».

همان گونه که در هستی‌شناختی عدالت بیان گردید، عدالت در دیدگاه حضرت علی (ع) مبتنی بر حق است؛ ولی انجام درست و صحیح عدالت مبتنی بر شناخت حق می‌باشد. ایشان در نامه ۷۰، خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: «وَعَوْهُ، وَ عَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أُسْوَةٌ»، «آن‌آنکه عدالت را شناختند و دیدند و فهمیدند و دانستند که مردم در پیشگاه ما در حق با هم مساویند». همچنین ایشان در خطبه ۵۹ با بیان اینکه کسی که حق را بجوید و اشتباه کند، مانند کسی نیست که باطل را بخواهد و آن را بیابد «فَلَيْسَ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ فَأَخْطَأَهُ كَمَنْ طَلَبَ الْبَاطِلَ فَأَدْرَكَهُ» از یک طرف شناخت حق را امری مقبول می‌دانند و هم اینکه لزوم تربیت به منظور شناخت حق را ضروری می‌دانند.

۲-۷- مبنای ارزش‌شناختی عدالت

ارزش‌شناختی که مبتنی بر مباحث الهیاتی و اخلاقی می‌باشد، معطوف به این است که غایت عدالت چیست؛ از این رو ارزش‌شناسی، دارای تبیین‌های قابل توجهی در باب عدالت از دیدگاه حضرت امیر (ع) می‌باشد. ایشان عدالت را حقیقتی لحاظ می‌نمایند که دست‌یابی و عمل به آن، قوام‌بخش دین و سعادت انسان خواهد بود؛ به عنوان مثال، ایشان در حکمت ۴۷۰ در تعریف توحید و عدل می‌فرمایند: «توحید آن است که خدا را در وهم نیاری و عدل آن است که او را متهم نسازی» «أَنْ لَا تُتَوَهَّمَهُ، وَالْعَدْلُ أَنْ لَا تُتَهَّمَهُ». امام علیه السلام در واقع با قرار دادن عدل در کنار توحید، عدالت را برای حفظ و ارتقای توحید ضروری تلقی می‌نمایند. ایشان برای تحقق این امر؛ یعنی حفظ توحید و سعادت انسان‌ها،

عدالت را یکی از پایه‌های دین قرار می‌دهند که در حکمت ۳۱ در قسمت گذشته به آن اشاره گردید.

در باب اخلاق، عدالت در دیدگاه ایشان به معنای میانه‌روی است؛ اما جهتی ایجابی دارد و تا حدی معطوف به دادن پاداش و بهره‌مندی از لطف و کرم؛ هر چند عدالت به معنای بخشش و کرم نیست. در این زمینه ایشان در حکمت ۲۳۱، در تفسیر آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرمایند «خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد» «عدل، همان انصاف و احسان، همان بخشش است» «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ الْعَدْلُ الْأَنْصَافُ، وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» ایشان در رابطه با جهت‌دهی عدالت به بخشش و احسان در خطبه ۱۰۵، در وصف پیامبر (ص) می‌فرمایند «خدایا بهره‌ای وافر از عدالت خود به او عنایت فرما و از احسانت پاداشی صد چندان به او کرامت کن» «اللَّهُمَّ أَقْسِمُ لَكَ مَقْسَمًا مِنْ عَدْلِكَ، وَأَجْزِهِ مَضَاعِفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ». همچنین در رابطه با خودشان، امام (ع) در خطبه ۸۶ می‌فرمایند: «مگر پیراهن عافیت را با عدل خود به اندام شما نپوشاندم؟ و نیکی‌ها را با اعمال و گفتار خود در میان شما رواج ندادم؟ و ملکات اخلاق انسانی را به شما نشان ندادم؟». توجه به ملکات اخلاق است که منجر به آن شده که ایشان در خطبه ۲۰۰ اعلام دارند یکی از ویژگی‌های رهبر عادل آن است که خود را با مردم تهیدست برابر قرار دهد تا تهیدستی به فقیر، سنگینی نکند و او را از پای در نیآورد. این امر زمینه همدلی و همچنین اعتماد میان افراد را فراهم می‌آورد.

همان‌طور که بیان گردید عدالت از منظر هستی‌شناسی، مبتنی بر حق می‌باشد. در دیدگاه ایشان در حوزه عمل یا همان اخلاق، حق مستلزم وظیفه‌نگری و انجام وظایف افراد می‌باشد. ایشان، گرفتن حق را یک وظیفه می‌دانند؛ چنانکه در خطبه ۳۷ در ذکر فضایل خود می‌فرماید «به وظیفه قیام کردم و از وظایفم، گرفتن حق ضعیفان از ظالمان است». «الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ لَهُ، وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى آخَذَ الْحَقَّ مِنْهُ» در واقع از دیدگاه ایشان انجام عدالت که مبتنی بر اعاده حق است، مستلزم تعهد و انجام وظیفه

می‌باشد. در زمینه مبتنی بودن وظیفه بر حق، ایشان در حکمت ۳۱ می‌فرمایند: «آنکه صدق در مواضع حق را رعایت نمود، به وظیفه‌اش عمل کرد». «وَمَنْ صَدَقَ فِي الْمَوَاطِنِ قَضَى مَا عَلَيْهِ».

مبحث وظیفه‌نگری و عدالت وظیفه‌نگر، یکی از مباحث اصلی عدالت می‌باشد و خود به عنوان یکی از رویکردهای عدالت، مورد توجه متفکران این حوزه می‌باشد (براتعلی پور، ۱۳۸۷: ۵۷). این دیدگاه به عدالت طبیعی یا همان عدالت عامه^{۱۱} اعتقاد دارد؛ چنانکه معتقد است عدالت به صورت قوانین مدون شده نیست؛ بلکه اصولی ذاتی در نهاد انسان می‌باشد و عدالت مبتنی است بر ایده‌های طبیعی و ارزش‌های انسانی. وظیفه‌گرایی^{۱۲} نه به پیامد بلکه به هم‌سویی اهداف و فرایند توجه دارد؛ چون در این دیدگاه خود عمل اخلاقی دارای الزامات و بایدهای بنیادینی است که باید تحقق یابند. دیدگاه وظیفه‌گرا، معتقد است درستی و یا نادرستی یک عمل از ماهیت خود عمل سرچشمه می‌گیرد (سیواگنینام^{۱۲}، ۲۰۰۹: ۱-۲۰)

موضوع اخلاق وظیفه‌مدارانه، حفظ و ارتقای فضایل است. فضایی که معطوف به سعادت و کرامت انسان هستند. کرامت ذاتی انسان، مبتنی بر این عقیده است که تمامی انسان‌ها دارای ارزش‌هایی برابر هستند (راسخ، ۱۳۸۸: ۳۰۱). برابری، لزوم شناخت اصولی اولیه و پیشینی را فراهم می‌نماید. دیدگاه وظیفه‌نگر با تأکید بر اصول و قواعد پیشینی عقلانی، لزوم شناخت این اصول پیشینی را فراهم می‌نماید. در واقع پیشینی، مطلق و همه-گیر بودن، ضرورت حق و اصالت حق را نیز اثبات می‌نماید. در دیدگاه وظیفه‌محور، چون در گام نخست، رسیدن به اصول اولیه مهم است؛ لذا فرد باید از امیال و اغراض شخصی خود رها شود و به دنبال داورهای عقل باشد. معیارهای عقلانی که در همگان مشترک هستند. مشترک بودن، زمینه بدیهی بودن این اصول و عقلانی بودن، بی‌طرفی و غیر مغرضانه بودن این اصول را نشان می‌دهد؛ در نتیجه، شناخت این اصول شرطی ضروری برای تحقق عدالت وظیفه‌مدار می‌باشد. با توجه به آنچه بیان گردید، می‌توان به این نتیجه

دست یافت که عدالت وظیفه‌مدار بر دو مؤلفه حق و شناخت ارزش‌های انسانی مبتنی است. این امر ارتباط و هم‌پوشانی مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزشی‌شناسی در باب عدالت را نشان می‌دهد.

با توجه به مبادی و مفروضات فوق، در پاسخ به پرسش‌های این مقاله که شامل چیستی و چگونگی عدالت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام و دلالت‌های تربیتی آن می‌باشد، می‌توان بر اساس مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی دیدگاه ایشان در باب عدالت پاسخ گفت و استنتاج‌های تربیتی این مبانی را مورد توجه قرار داد که این امر در ادامه مقاله، دنبال می‌شود.

۲-۸- دلالت‌های تربیتی عدالت از دیدگاه امام علی (ع)

با توجه به آنچه بیان گردید، پرداختن به عدالت از دیدگاه حضرت امیر (ع) از چند جهت در تعلیم و تربیت قابل توجه می‌باشد؛ نخست آنکه، افراد صرف نظر از مقام، موقعیت، طبقه و امتیازات متفاوتشان، دارای حقوقی برابر می‌باشند. حقوقی که باید شناخته، حفظ و اعاده شوند؛ دوم آنکه، خداوند روزی و امکانات را میان افراد به گونه‌ای مساوی تقسیم نموده است. در نتیجه افراد با توجه به قدر و وسع خود باید مورد بازخواست، تشویق و تنبیه قرار گیرند و میزان مشارکت افراد و نقششان باید مبنای استفاده از امکانات قرار گیرد؛ سوم آنکه، عدالت هر چند به معنای میانه‌روی است؛ اما جهت آن به سمت بخشش و تعامل‌های منصفانه می‌باشد. در نهایت آنکه، تحقق عدالت مستلزم شناخت و انجام وظیفه افراد به عنوان عاملانی آزاد و خودآگاه نسبت به هم می‌باشد.

تعلیم و تربیت متناسب با این مبادی و مفروضات، باید در دو جهت حرکت نماید. از یک سو، باید محیطی عادلانه را جهت تحقق عدالت در تربیت افراد فراهم نماید و از سویی دیگر باید فرد و متریبان عادل را پرورش دهد. در واقع عدالت‌مداری و عدالت‌پروری باید به عنوان دو مبنا در تحقق عدالت در عرصه تربیت، همراه با استلزام‌هایشان مورد توجه قرار گیرند. در ادامه تلاش می‌شود تا عدالت‌مداری و عدالت

پروری، به عنوان دو مبنای عدالت تربیتی، همراه با استنتاج اصول و روش‌هایی مناسب به منظور استفاده از آنها در راستای تحقق عدالت در تربیت، مورد توجه قرار گیرند. ارتباط مبانی با اصول و روش‌ها و غایت‌ها، به این گونه است که رسیدن به هر غایتی، خود در گرو به کارگیری تدابیر و راهبردهایی می‌باشد تا آن غایت تحقق یابد. این تدابیر و راهبردها، اصول نامیده می‌شوند و اصول نیز، خود نیازمند روش‌ها و راهبردهایی عینی‌تر و مشخص‌تر می‌باشند (باقری، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۷).

۲-۹- مبنای عدالت‌مداری

عدالت‌مداری، به عنوان یک مبنای تربیتی با توجه به دیدگاه حضرت امیر (ع)، مستلزم فراهم نمودن موقعیت و زمینه‌ای عادلانه در فرایند تربیت می‌باشد. زمینه و موقعیتی که در آن، دانش آموزان به عنوان انسان‌های عامل و برابر مورد توجه قرار بگیرند و تفاوت‌های نژادی، قومی، طبقاتی و نظایر آن نادیده گرفته شود و افراد به گونه‌ای با یکدیگر وارد تعامل شوند که بتوانند خواسته‌های خود را طلب نموده و همچنین با انگیزه و میل به همکاری در محیط تربیتی بپردازند؛ به علاوه، عدالت‌مداری به عنوان یک مبنا در راستای تحقق غایت عدالت تربیتی، مستلزم آن است که تصمیمات تربیتی، در مراحل تدوین و طراحی برنامه‌ها، تخصیص امکانات، تعیین مسئولیت‌ها، بازخواست و بازخورد خواهی‌ها، پاداش‌ها و تنبیه‌ها، منصفانه و بی‌طرفانه اتخاذ گردند. در نهایت آنکه پیامد عدالت‌مداری در تعلیم و تربیت، باید معطوف به تحقق نظام منصفانه‌ای برای همکاری دانش آموزان گردد؛ از این رو ضروری است نظامی عادلانه حاکم بر محیط تربیتی باشد؛ به این گونه که نحوه ارتباط افراد و عوامل درونی که شامل ارتباط میان مدیران، معاونان، معلمان، دانش آموزان و عوامل بیرونی؛ مانند خانواده و جامعه و سطوح تصمیم‌گیری‌ها، تخصیص امکانات، مسئولیت‌ها، بازخواست‌ها، تشویق‌ها و تنبیه‌ها، همگی باید به گونه‌ای عادلانه انجام گیرند.

۲-۱- اصول تحقق عدالت‌مداری در تربیت

تحقق عدالت‌مداری در تربیت، خود دانش‌ها و مهارت‌هایی را می‌طلبد. دانش‌ها و مهارت‌هایی که عمل به آنها منجر به اعاده و حفظ حقوق افراد می‌شود و تمامی افراد به حق خود خواهند رسید. دانش و مهارت‌هایی که به منظور اعاده حق ضروری می‌باشند عبارتند از: توجه به برابری متریبان، توجه به تفاوت‌های آنها و توجه به تصمیم‌گیری‌های عادلانه. این موارد در ذیل، بررسی می‌شوند.

۲-۱۰-۱- اصل نخست: برابری متریبان

با توجه به آنچه در رابطه با حقوق برابر افراد اشاره گردید، برابری در تعلیم و تربیت به عنوان یک ضرورت تلقی می‌شود. برابری در تربیت، اشاره به این دارد که باید به گونه‌ای عمل نمود تا بر اساس آن امتیازهای متفاوت، اختلاف‌های طبقه‌ای و قومی مبنای تصمیمات در رابطه با تخصیص امکانات، مسئولیت‌ها، پاداش‌ها و تنبیه‌ها قرار نگیرد. برابری، مستلزم آن است که به جای توجه به امتیازات و تفاوت‌های طبقه‌ای، به افراد به عنوان افرادی برابر از لحاظ انسانیت، آزادی، شرافت و کسب درآمد توجه شود و مبنای امتیازدهی و احترام به دیگران، مشارکت افراد باشد. امام علی (ع) در نامه ۵۳ در این زمینه می‌فرمایند: «مقام کسی باعث نشود که کوشش آن کس را بزرگ شماری و معمولی بودن شخص، علت نگردد که کار بزرگ‌ترش را اندک دانی».

تاکید بر برابری و فراهم نمودن زمینه‌ای به منظور مشارکت مؤثر، از آن جهت است که یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهبود عملکرد تربیتی، وجود جو و محیطی است که در آن مسئولان (مدیر، معاونان، معلمان)، سایر عوامل مدرسه (خدمتگزاران) و نیز دانش‌آموزان در آن، هم نسبت به نظام حاکم بر مدرسه احساس رضایت داشته باشند و آن را عادلانه بدانند و هم اینکه نسبت به تأمین حقوق و مزایای مادی و معنوی خود احساس عادلانه بودن نمایند؛ در نتیجه، توجه به برابری، یکی از شروط ضروری برای ایجاد نظامی مبتنی بر

همکاری منصفانه در بین عوامل تربیتی می‌باشد. به منظور تحقق این امر روش‌هایی موثر و مفید می‌باشند که در ادامه بیان می‌شوند.

۲-۱۰-۱-۱- روش اول: زمینه‌سازی برای همکاری دانش‌آموزان با یکدیگر

یکی از روش‌های مؤثر و مفید به منظور ایجاد برابری، فراهم نمودن موقعیت همکاری میان دانش‌آموزان می‌باشد. موقعیتی که در آن شرایط ورود و ادامه همکاری، وابسته به میزان مشارکت افراد می‌باشد. در این موقعیت، باید افراد همکاری‌کننده بدون توجه به سوابق پیشینه ایشان که شامل نوع طبقه، درآمد، موقعیت و امتیازاتشان است، دست به همکاری بزنند. همکاری و مشارکت در زمینه عدالت اجتماعی، زمانی قوت می‌گیرد که جامعه با نابرابری‌هایی چون نژادگرایی، طبقه‌گرایی، جنسیت و تبعیض جنسی و ... مواجهه باشد. این نابرابری‌ها، منجر به آن می‌شود تا افراد، خصوصاً افراد ضعیف‌تر و دارای مقام و موقعیت‌های پایین نتوانند در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همکاری و تعامل داشته باشند. این امر به نوبه خود باعث می‌شود تا این افراد از یک طرف نتوانند توانایی‌ها و استعدادهای خود را بروز دهند و از طرف دیگر، نتوانند شیوه‌های تفکر و حل مسئله را از افرادی که دارای این توانایی‌ها هستند، بیاموزند. در این راستا، هدف مشارکت، ایجاد زمینه برای حضور تمامی افراد در یک کار و جستجوی برابری و اصلاح برای آن‌هایی است که به خاطر بیماری‌های روحی و پریشانی‌های روانی، رفتارهای ناراحت‌کننده را تجربه کرده‌اند، می‌باشد؛ همچنین، همکاری زمانی کارآمدتر می‌شود که فرایندی مشاوره‌گونه حاکم بر مشارکت افراد باشد (گانلز^{۱۳}، ۲۰۰۸). به این معنی که دانش‌آموزان ضعیف‌تر را به منظور موفقیت در همکاری مورد حمایت و راهنمایی قرار دهیم؛ لذا چنین امری در فرایند تعلیم و تربیت منتج به این می‌شود که مدیران و معلمان نسبت به دانش‌آموزان برخوردار و رفتاری حمایتی داشته باشند و سعی نمایند برآیند سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات تربیتی باعث بهره‌وری هرچه بیشتر افراد محروم شود؛ سیاست‌گذاری‌ها و

فرایندهای تربیتی به گونه‌ای باشد که دانش آموزان، فاصله طبقاتی را احساس نمایند و نظام منصفانه‌ای برای همکاری دانش آموزان و سایر عوامل تربیتی فراهم شود.

۲-۱۰-۱-۲- روش دوم: زمینه‌سازی برای تعامل‌های منصفانه با دانش آموزان

زمینه‌سازی برای تعامل‌های منصفانه با دانش آموزان، اشاره به این امر دارد که با تحقق عدالت از سوی متولیان تربیت، احساس رضایت و خشنودی در متربیان ایجاد می‌شود؛ از این رو، اگر دانش آموزان و متربیان، نظامی عادلانه را سایه‌انداز بر عملکرد تربیتی مدارس خود ببینند، مشتاق و علاقه‌مند به انجام فعالیت‌ها می‌شوند؛ در غیر این صورت، فرهنگ دروغ، تقلب، چاپلوسی و فرار از مدرسه شکل خواهد گرفت. در این زمینه حضرت امیر (ع) در نامه ۲۷ می‌فرماید: «با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش، در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره‌شدن به مردم به تساوی رفتار کن، تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند؛ زیرا خداوند از شما بندگان درباره اعمال کوچک و بزرگ، آشکار و پنهان پرسش می‌کند. اگر کیفر دهد، شما استحقاق بیش از آن را دارید و اگر ببخشد، از بزرگواری اوست». پژوهش‌ها، در رابطه با تأثیر تعامل‌های منصفانه، رابطه مستقیمی بین عدالت و تعهدکاری در مراکز را نشان داده‌اند و اینکه ادراک حضور قواعد عدالت‌مدارانه، موجب افزایش سطح تعهد افراد به اهداف سازمانشان می‌شود؛ چنانکه عدم احساس نظام منصفانه، منجر به بروز تقلب، فریب و ... می‌شود (گل پرور، ۱۳۸۹: ۵۹).

۲-۱۰-۲- اصل دوم: پاس داشتن تفاوت‌های فردی در تربیت

اصل پاس داشتن تفاوت‌های فردی در دیدگاه حضرت امیر (ع) در کنار و مکمل اصل برابری می‌باشد. در واقع، همان‌طور که اشاره شد، افراد با وجود داشتن حقوق برابر، در عین حال دارای توانایی‌ها و استعداد‌های متفاوتی نیز می‌باشند؛ از این رو، روند حاکم بر تعلیم و تربیت، باید به گونه‌ای باشد که بر اساس آن افراد دارای توانایی‌ها و استعداد‌های متفاوت بتوانند با توجه به توانایی‌های خود، مسئولیت‌دهی شده و از امکانات برخوردار

گردند و در نهایت با توجه به مسئولیت خود، مورد بازخواست، پاداش و تنبیه قرار گیرند؛ در واقع بر اساس این اصل، توزیع مناسب امکانات که حق هر فردی می‌باشد، مستلزم حفظ کرامت انسان‌ها در اعطا و بازخواست مسئولیت‌ها می‌باشد؛ یعنی تکلیف‌دهی باید مبتنی بر حفظ ارزش‌های انسانی باشد. در ادامه، روشی برای تحقق اصل تفاوت‌ها در تربیت، بیان می‌شود.

۲-۱۰-۲-۱- روش: تکلیف به قدر وسع^{۱۴}

به منظور آنکه هر کدام از اعضا با توجه به شایستگی‌ها و تخصصشان انتخاب شوند، از هر کدام از افراد متناسب با تخصصشان، ایفای نقش خواسته شود، از افراد با توجه به ایفای نقش، قدردانی شود و پاداش متناسب با عمل فرد انجام شود؛ باید روش‌های مؤثر و مفید به کار برده شود؛ از جمله این روش‌ها، تکلیف به قدر وسع افراد می‌باشد. پژوهش‌ها در زمینه روانشناسی عدالت نشان داده‌اند که انسان‌ها، حساس و درگیر با رابطه بین ارزش‌های خودشان و ارزش نتایج عمل‌شان هستند (کالن^{۱۵}، ۲۰۰۹: ۶۱۶-۶۲۳).

دانش آموزان و معلمان به طور یکسان با عدالت در مدرسه درگیرند. دانش آموزان خواهان برخوردی برابر از طرف معلمانشان هستند که این به معنای استفاده از استانداردهای مقایسه‌ای یکسان برای تمامی دانش آموزان است. عدالت توزیعی در ارزیابی، در گرو آن است که دانش آموزان با توجه به موفقیت خودشان سنجیده شوند نه در مقایسه با دانش آموزان دیگر (دالبرت^{۱۶}، ۲۰۰۶: ۴۲۰-۴۳۳).

همان‌طور که حضرت امیر (ع) در تمیز عدالت از بخشش بیان فرمودند، در این مرحله عدالت، باید حاکم بر نظام توزیع و همکاری افراد باشد و بخشش، زمانی است که افراد ناتوان به علت داشتن ضعف و یا مشکلاتی ناخواسته نتوانند ایفای نقش کنند. در این مرحله است که انصاف و بخشش ضرورت می‌یابد؛ لذا باید روش تکلیف به قدر وسع را هم در فرایند تربیت و هم در پایان آن در مسند ارزیابی عملکردهای تربیتی مورد توجه قرار داد.

۲-۱۰-۳- اصل سوم: شناخت

بدیهی است تحقق اصول فوق، نیازمند دست‌یابی به دانش و بصیرت می‌باشد. دانش و بصیرتی که بتوان بر اساس آن تصمیمات عادلانه‌ای را اتخاذ نمود. تصمیماتی که منجر به بهبود فرایند تربیتی گردد؛ در واقع تصمیم در رابطه با نحوه روابط افراد، چگونگی تقسیم امکانات، مسئولیت‌ها، بازخوردها، پاداش‌ها و تنبیه‌ها، همگی مستلزم دانش و بصیرت می‌باشند. حضرت امیر (ع) در رابطه با فواید دانش در حکمت ۲۸۴ می‌فرماید: «دانش، راه عذر تراشی را بر بهانه‌جویان بسته است» «فَطَعَ الْعِلْمُ عُذْرَ الْمُتَعَلِّلِينَ». این امر منجر می‌شود تا عاملان تربیت، نحوه تصمیمات را عادلانه تلقی نموده و به پیشبرد اهداف تربیتی اهتمام ورزند. در تعلیم و تربیت نیز، یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهبود عملکرد تربیتی، وجود فضایی است که در آن عوامل مدرسه از مدیر، معاونان، معلمان، خدمتگزاران و دانش‌آموزان در آن، هم نسبت به نظام حاکم بر مدرسه احساس رضایت داشته باشند و آن را عادلانه بدانند و هم اینکه نسبت به تأمین حقوق و مزایای مادی و معنوی خود احساس عادلانه بودن داشته و قوانین و روند جاری بر تصمیمات را عادلانه و منصفانه تلقی نمایند (قلی پور، ۱۳۸۶: ۳۶۲).

پژوهش‌ها در روانشناسی اجتماعی نشان داده‌اند که رویدادهای منصفانه و غیر منصفانه، تأثیرهای عمیقی بر قضاوت‌های عادلانه انسان‌ها داشته‌اند و این قضاوت‌ها به نوبه خود، اغلب تأثیرهای مهمی بر اعتقادات، نگرش‌ها و رفتارهای دیگر دارند؛ بنابراین، مردم در تصمیم‌گیری، نیازمند استفاده از تمامی اطلاعات مرتبط با موضوع کارشان هستند؛ زیرا آنها رویه‌های دقیق امور را عادلانه‌تر از رویه‌های نامعتبر، می‌دانند (بوس^{۱۷}، ۲۰۰۷: ۲۰۱-۲۱۹).

در نتیجه، اصل شناخت، بنیادی اساسی در تحقق عدالت تلقی می‌گردد؛ از این رو است که حضرت امیر (ع) در حکمت ۱۴۷ می‌فرماید «گروهی که تسلیم حاملان حق می‌باشند؛ اما ژرف اندیشی لازم را در شناخت حقیقت ندارند، با اولین شبهه‌ای، شک و تردید در دلشان ریشه می‌زند؛ پس نه آنها، و نه اینها، سزاوار آموختن دانش‌های فراوان من

نمی‌باشند؛ همچنین ایشان در خطبه ۱۵۲ می‌فرمایند: «پس به درستی نگریست و آگاه شد، از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود و از افتادن در پرتگاه‌ها و گم شدن در کوره‌راه‌ها دوری کرد و کوشید تا عدالت را پاس دارد و برای گمراهان جای اعتراض باقی نگذارد، که در حق سختگیری کند یا در سخن حق، تحریف روا دارد یا در گفتن سخن راست بترسد».

۲-۱۰-۳-۱- روش: مشورت در تصمیم‌گیری‌ها

یکی از روش‌ها و راهبردهایی را که می‌توان به منظور تحقق اصل شناخت درباره عدالت به کاربرد، مشورت در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. لزوم توجه به مشورت از این رو است که تصمیم بدون مشورت، منجر به عدم شناخت تمامی جنبه‌ها شده و در نتیجه به شناختی ناقص دست خواهیم یافت؛ لذا دائماً باید به اصلاح و بازنگری تصمیم‌ها اقدام نماییم. حضرت امیر (ع) در این زمینه در نامه ۵۹ می‌فرمایند: «اگر رای و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت بسیار باز می‌دارد». «فَإِنَّ الْوَالِيَّ إِذَا اِخْتَلَفَ هَوَاهُ مَنَعَهُ ذَلِكَ كَثِيرًا مِنَ الْعَدْلِ»؛ از این رو، ایشان در خطبه ۲۰۷ به منظور درمان این معضل می‌فرمایند: «از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید؛ زیرا من خود را برتر از آنکه اشتباه کنم و از آن ایمن باشم، نمی‌دانم». «أَوْ مَشُورَةً بَعْدَلٍ، فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ، وَلَا آمِنُ»؛ در نتیجه مشورت باعث می‌شود عوامل و عناصر تربیتی خصوصاً معلمان، مدیران و دانش‌آموزان نسبت به شرح وظایف، تخصیص امکانات، آگاه باشند و آن را معقولانه بپذیرند.

مبنای دوم: عدالت‌پروری

عدالت‌مداری هر چند به عنوان یک مبنای بنیادین و یک ضرورت برای حفظ و بقا و بالندگی جامعه عادلانه، ضروری می‌باشد؛ اما، این به تنهایی، شرط کافی برای تحقق عدالت و رسیدن به سعادت نیست؛ از این رو، ما علاوه بر ایجاد محیطی عادلانه، نیازمند

پرورش فرد و متریان عادل نیز هستیم. همان طور که در قسمت ابتدایی مقاله بیان گردید، حضرت امیر (ع) عدالت را بر چهار پایه قرار می‌دهند که شامل دانش، ژرف اندیشی، شکیبایی و نیکوداوری کردن می‌باشد؛ در واقع این چهار مؤلفه، زمینه شناخت چیستی عدالت و التزام عملی به آن را فراهم می‌نمایند. شناخت را به عنوان یک اصل تربیتی همراه با روش مشورت در قسمت گذشته مورد توجه قرار دادیم. در ادامه، التزام عملی را به عنوان یک اصل تربیتی در راستای تحقق غایت عدالت مورد توجه قرار خواهیم داد.

اصل چهارم: التزام عملی به عدالت‌ورزی

حضرت امیر (ع) در کنار توجه به شناخت و تصمیم‌گیری‌های عادلانه، توجه زیادی به ایمان به حق و التزام عملی به آن دارند؛ در واقع، عمل به عدالت، مستلزم توجه به شناخت، اعتقاد، التزام و عمل به حق می‌باشد. شناخت نیز، همان طور که بیان گردید، منجر به آن می‌شود که فرد، در تمامی شرایط و موقعیت‌ها به حقوق دیگران و تلاش برای حفظ آن اقدام نماید. در این زمینه ایشان در خطبه ۸۶ می‌فرمایند: «مومن کسی است که خود را به عدالت ملزم بدارد و آغاز عدالت‌ورزی او در گرو آن است که هوای نفس را از دل بیرون رانده، حق را بشناسد و به آن عمل کند». «قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ، فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ». در این کلام امام (ع)، سه مؤلفه اصلی وجود دارد. مؤلفه نخست، شناخت حق، مؤلفه دوم التزام و مؤلفه سوم عمل می‌باشد. شناخت، منجر به رسیدن به حق می‌شود و التزام، به معنای پذیرش حق است و عمل، نشان دادن التزام به حق می‌باشد؛ در نتیجه توجه به التزام عملی و ایجاد آن در راستای تحقق عدالت امری ضروری خواهد بود.

روش: تحمیل به نفس^{۱۸} عدالت‌ورزی

التزام عملی و دست‌یابی به آن نیز، خود در گرو به کارگیری روش‌هایی چون تحمیل به نفس عمل عدالت‌ورزی می‌باشد. روش تحمیل به نفس از آن رو ضرورت دارد که فرد بعد از شناخت حق و حقیقت، به دلیل روحیه منفعت‌گرایی که زمینه آن در وجود آدمی

قرار دارد، ممکن است از انجام عدالت سرباز زند؛ از این رو تحمیل نمودن انجام اعمال عادلانه می تواند روش مؤثر و مفیدی برای ملزم کردن نفس آدمی به عدالت ورزی می باشد. نمونه ای از این تحمیل به نفس عدالت ورزی را می توان در عمل امر به معروف و نهی از منکر مشاهده نمود. حضرت امیر (ع) در زمینه امر به معروف در حکمت ۳۷۴ می فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر... سخن عدل است در برابر حاکم ظالم» و *إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ ... كَلِمَةٌ عَدْلٌ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ*. زمینه های کاربست روش تحمیل به نفس عدالت ورزی در تربیت، از سوی عاملان آن بسیار فراهم می شود و عاملی است که می تواند از دخالت حب و بغض ها در قضاوت در مورد دیگران و اعطای مسئولیت به آنها و بازخواست شان، جلوگیری نماید.

۳- نتیجه گیری

در پایان می توان به این نتیجه دست یافت که عدالت در دیدگاه حضرت امیر (ع) یکی از حقایق هستی می باشد. ایشان با تأکید بر حقوق برابر افراد، لزوم اعاده و حفظ آن را همواره ضروری و به عنوان وظیفه هر فرد در برابر افراد دیگر می دانند. در کنار برابری در حقوق اولیه ای، مانند آزادی و شرافت انسانی، حضرت، توجه به تفاوت های افراد در زمینه توانایی ها و شیوه های کسب درآمد و ثروت دارند؛ از این رو ایشان در کنار مساوات و برابری توجه ای به عدالت توزیعی نیز دارند. مساوات و عدالت توزیعی، لزوم شناخت و تصمیمات عادلانه همراه با التزام عملی افراد را به منظور رسیدن به جامعه ای آرمانی ضروری می نماید؛ از این رو تعلیم و تربیت، به منظور تحقق عدالت باید در این مسیر گام بردارد؛ یعنی محیط های تربیتی باید همواره با توجه به حفظ و اعاده حقوق اساسی افراد، توجه به تفاوت های آنان، توجه به تصمیمات عادلانه و ایجاد طرقی به منظور تربیت فردی عادل که دارای التزام عملی به عدالت باشد، گام بردارند.

در نهایت، لازم به یادآوری است که اصول و روش های استخراج گردیده در این مقاله تمامی اصول و روش های تأثیرگذار در رابطه با تحقق عدالت در تعلیم و تربیت نمی باشند؛

لذا ضرورت توجه به مبادی و مفروضات هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی در دیدگاه حضرت امیر (ع) می‌تواند، زمینه استخراج اصول و روش‌هایی مؤثرتر و مفیدتر را در رابطه با مسائل و موقعیت‌های نو و متفاوت تربیت و زندگی فراهم نماید؛ لذا پرداختن به این مبادی و مفروضات باید از اولویت‌های پژوهشی پژوهشگران تربیتی باشد که سعی در استنتاج دلالت‌های تربیتی از دیدگاه متفکران اسلامی خصوصاً امام علی (ع) را دارند.

یادداشت‌ها

- ¹ - W. Frankena
- ² - Enkarta
- ³ - Bhaskar, Roy
- ⁴ - Jason A. Colquitt
- ⁵ - Brasheara, T.
- ⁶ - Ambrose, M.
- ⁷ - Interactional fairness
- ⁸ - informational justice
- ⁹ - Gunnells
- ¹⁰ - commonsense justice
- ¹¹ - Deontologism
- ¹² - Sivagnanam
- ¹³ - Gunnells

۱۴- عنوان این روش از منبع مقابل اقتباس شده است: (باقری، ۱۳۸۵).

- ¹⁵ - Mitchell J. Callan
- ¹⁶ - Claudia Dalbert
- ¹⁷ - Bos

۱۸- عنوان و مضمون اصل تحمیل به نفس از باقری (۱۳۸۵) اقتباس شده است.

فهرست منابع**۱- قرآن کریم.**

- ۲- نهج البلاغه (۱۳۷۸). (ترجمه محمد دشتی). قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- ۳- اترک، حسین (۱۳۸۹). **وظیفه‌گرایی اخلاقی**. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم شماره‌های ۱ و ۲، صص: ۲۷-۳۵.
- ۴- انوری، حسن (۱۳۸۸). **فرهنگ بزرگ سخن**. تهران: نشر سخن.
- ۵- اوتارخانی، علی (۱۳۸۸). **عدالت و انصاف در همکاری مبتنی بر اعتماد**. **چشم انداز مدیریت**، شماره ۳۳ صص: ۲۹-۴۷.
- ۶- باقری، خسرو (۱۳۸۸). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**، جلد اول، چاپ بیستم تهران: انتشارات مدرسه
- ۷- باقری، خسرو (۱۳۸۹). **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۸- باقری، خسرو (۱۳۸۷). **عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تاکید بر خصوصی سازی مدارس**. فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی شماره ۳۸ صفحات ۲۱-۴۳.
- ۹- بختیاری، صادق (۱۳۸۰). **عدالت و توسعه از دیدگاه امام علی (علیه السلام)**. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی شماره ۳۰ صفحه - از ۹۱ تا ۱۱۵.
- ۱۰- براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۹). **بنیان‌های اخلاقی عدالت اجتماعی، بررسی انتقادی دو روایت وظیفه‌شناختی سازنده‌گرا و باز نمودی**. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰ شماره ۳ صص: ۵۵-۷۴.
- ۱۱- جعفری سید اصغر (۱۳۹۲). **حقوق بنیادین بشر در منشور حکومتی امام علی (ع)**. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی. شماره ۴ صفحات ۱۰۹-۱۴۰.

- ۱۲- حاج حسینی، حسن (۱۳۸۶). **عدالت اجتماعی در حوزه اقتصاد از دیدگاه امام علی (ع) فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی** شماره ۱۱ صفحه - از ۱۷۱ تا ۲۱۴.
- ۱۳- درخشه جلال (۱۳۸۶). **عدالت از دیدگاه امام علی (ع) فصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۵؛ از صفحه ۵ تا صفحه ۳۷.
- ۱۴- راسخ، محسن (۱۳۸۸). **نظریه حق**، فصلنامه باروری و ناباروری، شماره ۴ صص: ۲۹۹-۳۱۶.
- ۱۵- رهنما، اکبر؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ علین، حمید (۱۳۸۷). **بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع)**. فصلنامه دانشور رفتار، شماره ۲۰ صفحه ۱-۲۸.
- ۱۶- ریباول، ا. (۱۳۷۷). **تربیت یک مسئله فلسفی**. ترجمه سعید بهشتی. تهران، انتشارات نشر و ویرایش.
- ۱۷- سبحانی نژاد و رضایی، ۱۳۹۱. **ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)**
- ۱۸- سبحانی نژاد، مهدی؛ رهنما، اکبر؛ بهرام، احمد علی (۱۳۹۲). **بررسی تربیت مدنی از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر نهج البلاغه**. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی شماره ۱۸ صفحات ۶۹-۹۱.
- ۱۹- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۴). **عدالت و آزادی در اندیشه سیاسی امام علی (ع)**. فصلنامه علوم انسانی، شماره ۴؛ از صفحه ۵۵ تا صفحه ۷۱.
- ۲۰- قاسمی، مریم؛ حاجی رجبعلی، کاظم (۱۳۹۱). **مدل های تربیتی در تقویت مشاهده از منظر روایات امام علی (ع)**. فصلنامه تربیت اسلامی شماره ۱۴ صفحات ۱۰۳-۱۲۱.

- ۲۱- قلی پور، آرین، علی پیران نژاد (۱۳۸۶). **بررسی اثرهای عدالت در ایجاد و ارتقای خودباوری در نهادهای آموزشی**، پژوهش نامه علوم انسانی، شماره ۵۳ صص: ۳۵۷-۳۷۴.
- ۲۲- گل پرور، محسن (۱۳۸۹). **رابطه اخلاق و عدالت آموزشی با پرهیز از فریبکاری علمی**. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم شماره های ۱ و ۲، صص: ۵۷-۶۶.
- ۲۳- لشکری، علیرضا (۱۳۸۸). **حق، عدالت و جامعه**. فصلنامه جستارهای اقتصادی، شماره ۱۲ صص: ۳۱-۵۷.
- ۲۴- لطیفی، علی؛ ظریفیان یگانه، محمد حسین (۱۳۹۱). **اصول و روش های تربیتی مواجهه با مخالفان در اخلاق ارتباطی امام علی (ع)**. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش نامه اخلاق شماره ۱۵ صفحات ۱۰۱-۱۱۶.
- ۲۵- مرصوصی. نفیسه (۱۳۸۶). **تحلیلی جغرافیایی از تئوری های عدالت اجتماعی**. نشریه علوم جغرافیایی، شماره ۱۰، صص: ۱۰۷-۱۲۵.
- ۲۶- مزینانی، مهدی (۱۳۷۹). **کارکردهای عدالت در حوزه سیاست از دیدگاه امام علی علیه السلام** فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۱ صفحه - از ۱۲ تا ۲۱.
- منابع لاتین:**

Ambrose Maureen, Ronald L. Hess B, Shankar Ganesan (2007) "The Relationship between Justice and Attitudes: An Examination of Justice Effects on Event and System-Related Attitudes", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 103, 21-36.

Bhaskar .Roy (۲۰۰۸) **A Realist Theory of Science**. by Routledge

Bos, Kees van den, Ham Jaap, Allan E. Lind, Simonis Marieke, Essen, Wiljo J. van, Rijpkema, Mark (2007) "Justice and the Human Alarm System: The Impact of Exclamation Points and Flashing Lights on the Justice Judgment Process", *Journal of Experimental Social Psychology*, 44, 2, 201-219.

Brasheara Thomas G, Manolisb Chris, Brooks Charles M. (2005) "The Effects of Control, Trust, and Justice on Salesperson Turnover", *Journal of Business Research*, **58**, 241– 249

Colquitt Jason A., Brent A. Scott, Timothy A Judge, Shaw John C. (2006) "Justice and Personality: Using Integrative Theories to Derive Moderators of Justice Effects", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 100, 110–127

Dalbert, Claudia; Schneidewind, Ulrike; Saalbach, Annett (2006) "Justice Judgments Concerning Grading in School", *Contemporary Educational Psychology*, 32, 420-433

Gunnells, Tiffany Ayn Hawkins (2008) An Exploration of the Relationship between Spirituality and Social Justice Work of Counselors and Counselor Educators, United State: Ohio University press.

Callan, Mitchell J and Kay, Aaron C and Davidenko, Nicolas and Ellard, John H (2009) "The Effects of Justice Motivation on Memory for Self- and Other-Relevant Events", *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 614–623

Sivagnanam T.S (2009) Principles of Natural Justice, A lecture at Tamil Nadu State Judicial Academy. Retrieved 6,1-20,

Ward Tony, Langlands Robyn L. (2008). "Restorative Justice and the Human Rights of Offenders: Convergences and divergences", *Aggression and Violent Behavior*, 13, 355–372